

انسان و تربیت از منظر صحیفه سجادیه

دکتر رحمت اله مرزوقی *

چکیده

صحیفه امام سجاده (ع) از متون ارزشمند دینی است که می‌تواند به عنوان مأخذ و مبنایی برای مطالعه و بررسی موضوعات مختلف اعتقادی، اجتماعی، انسان‌شناختی و تربیتی مورد استفاده قرار گیرد.

در صحیفه سجادیه تصویر انسان کامل به وسیله انسانی الهی و کامل ترسیم و بیان شده است. بنابراین اثری بدیع و ارزنده در زمینه انسان‌شناسی است که در آن فضایل و ویژگی‌های انسان در منظومه و سیمایی خاص و مبتنی بر باورهای اسلامی تصویر و توصیف شده است که می‌تواند مبانی تعلیم و تربیت اسلامی قلمداد گردد.

در مقاله حاضر تلاش شده است تا ضمن بررسی ویژگی‌های انسان از منظر صحیفه سجادیه، دلالت‌های آن برای تعلیم و تربیت مشخص گردد تا از این طریق، زمینه‌های بیشتری برای بررسی مبانی تربیت دینی و تدوین «نظریه تعلیم و تربیت اسلامی» فراهم گردد.

واژه‌های کلیدی: ۱- انسان‌شناسی ۲- مکاتب انسان‌شناسی ۳- تربیت اسلامی

۴- انسان‌شناسی عرفانی ۵- تربیت عرفانی

۱. مقدمه

از جمله دغدغه‌ها و پرسش‌های اساسی آدمی این است که کیست؟ در این عالم چه جایگاهی دارد؟ کمال او در چیست؟ انسان آرمانی چگونه باید باشد؟ هدف آفرینش و

* استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز

زندگانی وی چیست؟ این‌ها نمونه‌هایی از پرسش‌های کلی بشری است. اما پرسش‌های جزئی دیگری مانند این که چرا انسان افسرده می‌شود؟ چگونه باید با دیگران ارتباط برقرار کند و مانند آن نیز مطرح‌اند. بررسی پرسش‌های یاد شده که به طور کلی به یکدیگر وابسته‌اند، در حوزه‌های مختلف دین، فلسفه، عرفان، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قرار می‌گیرند.

البته اگر آدمی به دنبال «هدف یابی»، «دست‌یابی به حیات پرمعنا»، خروج از حالت پوچی و بی‌معنایی و کسب امید است، به ناچار بایستی به پرسش‌های مزبور پاسخ دهد یا دست کم به دنبال یافتن پاسخ برای آن‌ها باشد.

پاسخ به پرسش‌های مزبور نه تنها نتایج نظری گوناگونی در پی دارد، بلکه دارای نتایج و فواید عملی فراوانی نیز هست. به گونه‌ای که در عمل می‌تواند تربیت، رفتار و شیوه زندگانی انسان را تحت تأثیر جدی قرار دهد.

در بررسی اجمالی پرسش‌های فوق باید گفت که انسان از دیدگاه اسلام حلقه‌ای از حلقه‌های وجودی عالم است که بایستی وی را در یک منظومه جهان شناختی و به ویژه ماوراءالطبیعی مورد بررسی قرار داد. در انسان‌شناسی اسلامی، آدمی متعلق به عالم ماورا است. یعنی وابستگی به وجودی برتر دارد. این وابستگی هم در خلق و هم در حیات و هم بعد از آن است (بقره/۱۵۶). به علاوه از دیدگاه قرآن «امانات الهی» به انسان سپرده شده (احزاب/۷۲) و ضمن آن که تمامی «اسماء الهی» به وی تعلیم شده (بقره/۳۱)، صاحب کرامت و عزت متعالی و ویژه است (بنی اسرائیل/۷۰).

اگر بخواهیم به وسیله تعلیم و تربیت به کمال انسانی خود دست یابیم، بایستی چهره معنوی و سیمای انسان کامل مورد نظر دین اسلام را بشناسیم (۱۵، صص: ۵).

۱.۱. انواع انسان‌شناسی

انسان موجودی دارای ابعاد گوناگون معنوی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و زیست‌شناختی است و می‌توان او را از منظر دین، فلسفه، عرفان و علم مورد مطالعه قرار داد. به همین دلیل امروزه با انواع مختلفی از انسان‌شناسی فلسفی، دینی، عرفانی و علمی روبرو هستیم.

در انسان‌شناسی فلسفی، دیدگاه انسان‌شناختی فیلسوفان به گونه‌ای انفرادی و یا در قالب مکاتب فلسفی انسان‌شناختی هم‌چون ایده‌آلیسم، رئالیسم، اگزیستانسیالیسم و مانند آن قابل بررسی است. دیدگاه‌هایی که گاه در یک مکتب فلسفی نیز در تضاد با یکدیگرند (۱۳). برای مثال، اگر چه سارتر منکر ابعاد معنوی و الاهی اگزیستانسیالیسم انسان

است، اما کرکگور از فیلسوفان الهی بر این باور است که هرچه انسان بیشتر خود را با خدا احساس کند، از هستی بالاتری برخوردار خواهد بود (۱۲).

در انسان شناسی علمی، انسان از زاویه علمی هم‌چون روان شناسی، جامعه شناسی، مردم شناسی و زیست شناسی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. هرچند این نوع انسان شناسی‌ها علمی تلقی می‌شوند، اما در درون هر کدام مانند روان شناسی، نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون و گاه متضادی مشاهده می‌گردد. در روان شناسی که به عنوان نوعی «انسان شناسی جدید» نگریده می‌شود، انسان از زاویه مکاتبی هم‌چون رفتار گرایی، شناخت گرایی، روان تحلیلی و مانند آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برای مثال در مکتب روان شناسی رفتارگرا به ویژه در رویکرد اسکینر، نوعی جبرگرایی^۱ محض، لذت گرایی^۲ و رویکردی ذره گرایانه^۳ بر مطالعه و تعریف انسان حاکم است. در این مکتب نه تنها جنبه معنوی و الهی انسان بلکه اعتقاد به مسایلی هم‌چون «وجدان» نیز مورد انکار قرار گرفته است (۴، صص: ۱۴۹-۱۶۶). در روانکاوی فروید نوعی جبرناخودآگاه^۴ تعیین کننده اساس رفتارهای آدمی است و انسان تا حد یک موجود روانی-جنسی تقلیل و تنزل می‌یابد، به گونه‌ای که تمامی رفتارها و اعمال آدمی از نظر وی تابع امیال و غرایز جنسی و پرخاشگری است. این تأکیدات باعث شده است تا برخی از صاحب نظران و منتقدان نگرش فروید را نوعی دیدگاه غیر اخلاقی و غیر دینی درباره انسان بدانند (۱۰، صص: ۲۹۷). بر اساس این گونه دلایل نیز برخی از صاحب نظران مانند یاسپرس بر این باورند که روان شناسی امروزی، علم شناخت نقص هاست. روان شناسی نمی‌تواند بگوید که انسان چیست؟ و چگونه باید باشد؟ و این علم علاوه بر کنار گذاردن جنبه «معنوی» انسان، با ادعای دانش زیاد درباره وی، او را کوچک می‌شمارد (۱۷، ص: ۱۸۷).

در انسان شناسی دینی انسان را می‌توان از زاویه ادیان مختلف مورد بررسی قرار داد. البته انسان شناسی‌های دینی دارای وجوه تشابه و افتراق فراوانی هستند (۱۸ و ۱۴). در انسان شناسی اسلامی نیز سه قلمرو انسان شناسی فلسفی، انسان شناسی نقلی و انسان شناسی عرفانی تا حدودی از یکدیگر قابل تفکیکند. البته باید اذعان نمود که همه اقسام انسان شناسی دینی به این دلیل که به توصیف و تعریف انسان می‌پردازند به عنوان «مبانی تربیت دینی» قلمداد می‌شوند. در مقاله حاضر، به بررسی اجمالی «انسان شناسی عرفانی با تأکید بر صحیفه سجادیه» که مبین نوعی نگاه الهی-عرفانی به انسان است، خواهیم پرداخت.

۲.۱. اهمیت انسان شناسی عرفانی

در عرفان اسلامی انسان به عنوان جلوه‌ای از «هستی مطلق» و موجی از «دریای جان»

تلقی می‌شود. معرفت و انسان شناسی عرفانی بر آن است تا انسان را به خود آورد و او را از اوهام و پندارها دور نماید و وی را به حقیقت مطلق متصل کند. انسان‌شناسی و تربیت عرفانی نه تنها در پی بیرون آوردن انسان از غفلت است، بلکه خود عین «بیرون آمدن» است. یعنی انسان باید خود دروغین را ویران کند و خویشتن را تسلیم خدا کند تا به هستی واقعی خویش نائل گردد.

مسیر سلوک عرفانی توجه به گوهر خویش و نگرستن به آیین معرفت خدایین «دل» است. در انسان شناسی و تربیت عرفانی سخن بر سر «حال» و «مقام معنوی» انسان است و آدمی سرانجام باید به نوعی «پرستش عاشقانه» که مبتنی بر نوعی «تربیت حال معنوی» است، دست یابد.

شناخت عرفانی بیشتر نه از راه استدلال و سنجش منطقی، بلکه از راه «دریافت» و نوعی اشراق و روشن‌شدگی درون حاصل می‌گردد که بیش از هر چیز نتیجه «عنایت الاهی» و «تزکیه درون» است و اوج این دریافت، «محو شدن» انسان عارف است. محو شدنی مانند پیوستن قطره به دریا و بسان موجی که در دریا فرو می‌نشیند (۱۰، صص: ۸۱-۸۸).

لذا تأکید و تکیه بر این‌گونه دریافت‌ها که از طریق «دل» حاصل می‌شود از جمله محورهای اساسی انسان شناسی عرفانی اسلام است. در این رابطه گفته می‌شود که «دل» آفریده شده است تا مملکت جسم و وجود آدمی به وی سپرده شود و آدمی به واسطه آن از عالم خاکی به اعلی‌ترین سیر نماید. از این منظر محور انسان شناسی و تربیت اسلامی، سیر روح، باطن و دل انسان به سوی حق و هدف نهایی تعلیم و تربیت اسلامی نیز وصول به «قرب الاهی» است (۹، صص: ۳۰۰-۳۰۳).

البته باید اذعان نمود که مقوله «دل» و دریافت‌های معنوی درونی کمتر مورد توجه مربیان و روان‌شناسان قرار گرفته است. اگرچه در روان‌شناسی امروزی مفاهیمی چون «احساس، هیجان و عاطفه» مطرح‌اند، اما به طور کلی این گونه مفاهیم ارتباط چندانی با مقوله «دل» در مفهوم «عرفانی و الاهی» آن ندارد و حتی در مواردی وجود چنین چیزی به وسیله برخی از روان‌شناسان مورد نفی و انکار قرار گرفته است (۳، ص: ۱۴۷).

به علاوه، از منظر متون اسلامی، «دل» را نباید تنها به عنوان یک مقوله «احساسی و عاطفی» و یا تنها مرکز عواطف حتی از نوع معنوی و ماوراءالطبیعی آن مد نظر قرار داد. در قرآن مجید سه معنا برای «دل» در نظر گرفته شده است که نگاهی جامع به این موضوع مستلزم توجه به هر سه معنای یاد شده است.

نخست آن که «دل» به عنوان مقوله «ادراک و شناخت» در نظر گرفته شده است، چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ای پیامبر برخی از افراد به سخنان تو گوش فرا می‌دهند ولی بر قلوب آن‌ها مهر نهاده‌ایم و چیزی ادراک نمی‌کنند» (انعام/۲۵). دوم آن که دل محل «احساس و عواطف» است، چنان که در قرآن آمده است که «مؤمنان کسانی هستند که چون خداوند را یاد می‌کنند دل‌های آنان خاشع و مالمال از احساسات پاک و الاهی می‌گردد» (انفال/۲). هم‌چنین از دل به عنوان مقوله «فعل و عمل» نیز یاد شده است. در این باره قرآن می‌فرماید: «روزی فرا می‌رسد که نه مال و نه فرزندان هیچ کدام نفعی و سودی برای انسان ندارد، جز آن که «قلب سلیمی» وجود داشته باشد» (شعراء/۸۸-۸۹). واضح است که در نگرش و بررسی جامع مقوله «دل» بایستی تمامی ابعاد مزبور مورد توجه قرار گیرد.

این تفکر در باورهای اسلامی وجود دارد که در آدمی «حس پرستش» به عنوان حقیقتی معنوی و ماورایی وجود دارد و بر اساس معرفت و حال ناشی از آن، آدمی تمایل دارد تا در مقابل خداوند خضوع و خشوع کند و او را تقدیس نماید. از این نظر گفته می‌شود که انسان دارای فطرت و استعداد دینی ذاتی است (۱۶، ص: ۶۹). استعدادی که به ویژه از طریق دل و عواطف آدمی قابل کشف است و تعلیم و تربیت نیز با پرورش آن‌ها می‌تواند رهنمودهای فراوانی برای کمال و تعالی انسان داشته باشد.

اجمالاً باید گفت که انسان شناسی عرفانی با تکیه بر دل و تزکیه درون به دنبال تحکیم و بسط جایگاه و «مقام معنوی» و «منزلت الاهی» انسان است. این نگاه به انسان و تربیت، به گونه‌ای بارز و شاید منحصر به فرد در کتاب صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار گرفته است که در ادامه پس از معرفی اجمالی اهمیت این کتاب، به آن پرداخته خواهد شد.

۱.۳. اهمیت صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه یکی از بزرگ‌ترین آثار مدون قرن اول هجری است که دارای محتوای بسیار غنی در زمینه مسایل عبادی، سیاسی، تربیتی و ... است (۸، ص:). اگرچه ظاهر این کتاب بر مدار راز و نیاز و دعا و عرض حاجت است. اما در این پوشش دعایی و نیایشی بسیاری از مسایل و نکات دقیق، ظریف و حساس سیاسی، اجتماعی، تربیتی، عرفانی و انسان شناختی نیز مطرح شده است، به علاوه نقش دعا در فرآیند رشد و تعالی انسان در بهترین و متعالی‌ترین شکل آن ترسیم شده است.

این کتاب به تعبیر امام خمینی (ره)، صحیفه نورانیه الهیه است که از اسمای عرفان عارف بالله و عقل نورانی سید ساجدین(ع) برای رهایی بندگان خدا از سجن طبیعت و

فهماندن ادب عبودیت و قیام در خدمت و ربوبیت، نازل شده است. کتاب صحیفه از معجزات قولی امام معصوم (ع) تلقی می‌شود که به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌شود (۵)، صص: ۲۸-۳۳).

صحیفه دانشگاهی است که استاد و مدرس آن امام سجاد(ع)، موضوع آن عرفان و حقیقت آن نفی هر چیز غیر از خداوند، به هر طریق ممکن، و در بردارنده عناصری مانند نیاز، عشق، آگاهی و خودشناسی و مبارزه است. در این کتاب مباحث فراوانی درباره انسان و چگونگی تربیت عرفانی و الاهی وی به صورت تلویحی و تصریحی مطرح شده است که در ادامه به گونه‌ای اجمالی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. انسان شناسی و تربیت در صحیفه

بی تردید انسان شناسی عرفانی امام سجاد(ع) به دلیل توجه به ابعاد معنوی و الاهی آدمی، می‌تواند سرآمد و مکمل دیدگاه‌های انسان شناختی معاصر که در آن‌ها خلاء عمیق کم توجهی و یا بی‌توجهی به مسایل معنوی وجود دارد، باشد.

انسان شناسی صحیفه کوششی در جهت «بیدار کردن»، «رشد بذر» و «کشش ربوبی» در انسان است؛ معرفت، بذر و کششی که در وجود آدمی به ودیعه گذاشته شده است تا رنگ آمیزی زیبای الاهی در درون انسان متجلی گردد (بقره/ ۸۱ و اعراف/ ۱۷۲). از این منظر، انسان شناسی صحیفه نوعی بازگشت به شهادت و پیمان اولیه و ازلی الاهی انسان است (۲، دعای ۱۵ و ۳۴) و به طور کلی در صحیفه، انسان از منظر نوعی «روان شناسی الهی»^۵ مورد بررسی قرار گرفته است.

صحیفه سجادیه مبدع نوعی انسان شناسی است که در آن انسان لحظه‌ای از دایره فیض و عنایت الاهی جدا و خارج نمی‌گردد. به همین دلیل امام سجاد(ع) به احساس حضور، عنایت و فیض مداوم الاهی توجه‌ای ویژه و فراگیر دارد، به گونه‌ای که این احساس را در همه حالات خویش هم‌چون مصائب، خوشی‌ها و تمامی لحظات و سکنت‌های آدمی همراه و جویا است (دعای ۱).

از نظر امام سجاد(ع) کسب این گونه حالات و هم‌چنین دریافت فیض «معرفت الهی» نیازمند «توفیق» است و از این رو، می‌فرماید که «سپاس و ستایش مخصوص پروردگاری است که خویش را به ما شناساند و نعمت بزرگ شکر و سپاسگزاری‌اش را به ما الهام نمود و درهای معرفت و ربوبیت را بر روی ما گشود و ما را به اخلاص در توحید خود، هدایت فرمود (دعای ۵ و ۲).

امام سجاده(ع) در فراز دیگری می‌فرماید: «ای کسی که گنجینه‌های رحمت بی زوال است ما را نیز از آن بهره‌ای ده، هر که را تو هدایت کنی دانا شود، هر که را به خود نزدیک سازی، غنیمت برد. خداوند در پرتو ارشاد و هدایت خود ما را به راه حق رهسپار فرما (دعای ۴۷).

از نظر امام سجاده(ع) تزکیه درون زمینه ساز کسب فیض هدایت الاهی است. لذا در یکی از دعاهایش می‌فرماید: «خداوند مرا از آلودگی و پلیدی پاکیزه گردان و آلودگی گناه را از من بزدا، پیراهن عافیت بر من بپوشان، رداى سلامت خود را بر اندامم بیفکن و به توفیق و ارشادت تأییدم کن (همان) و همان‌گونه که هدایت یافتگان را به نور خود هدایت فرمودی مرا نیز هدایت فرما (دعای ۴۹). در دعای دیگری می‌فرماید: «ای خدای من رحمت و توفیقت را همواره بر من ارزانی دار تا آن را چون نردبانی برای عروج خویش به سوی خشنودیت مورد استفاده قرار دهم (دعای ۶).

درک عظمت خالق از طریق ذکر نعمت‌های بی‌شمار وی از جمله اصول اساسی رویکرد تربیتی صحیفه است که در سراسر کتاب بارز و مشهود است. در یکی از دعاها چنین آمده است: «سپاس خدایی را که شب و روز را آفرید و هرکدام را در دیگری فرو می‌برد، روز را وسیله کار و شب را وسیله آسایش و ... (دعای ۳۶). از این نظر شکر و سپاسگزاری دارای ابعاد گوناگونی است و امام(ع) در این باره می‌فرماید، «خداوند شکر و ستایش و سپاس مخصوص توست که چه بلاهایی را از ما بگردانیدی و چه نعمت‌هایی که به ما ارزانی داشتی و ... (دعای ۴۴). به علاوه، معنای شکر از دیدگاه امام سجاده(ع) آن است که تمام اعضا، حالات و فعالیت‌های آدمی همگی برای او و در راه کسب تقرب به حضرت حق انجام گیرد (دعای ۶). به همین دلیل از دیدگاه امام(ع) وظایف یک فرد مسلمان چیزی جز اطاعت خداوند نیست (دعای ۲۰).

امام سجاده(ع) در یکی از فرازهای دعای صحیفه می‌فرماید: «پرورگارا ما را برای انجام نیکی‌ها، سپاسگزاری نعمت‌ها، ترک بدعت‌ها، امر به معروف و نهی از منکر، نکوهش باطل، هدایت گمگشتگان، مدد رسانی ناتوانان و فریاد رسانی ستمدیدگان موفق بدار» (همان). در صحیفه سجادیه ویژگی‌ها و کمال انسانی در داشتن صفاتی هم‌چون دانش، بردباری، صبر، بخشندگی، شجاعت و محبت به مردم با ایمان خلاصه شده است.

امام سجاده(ع) اگر چه مروج مکتب عرفانی و الاهی است، اما عرفان و تربیت آن حضرت(ع) «عرفان حضور» است نه عرفان «انزوا» و «پرهیز». چنان‌که در فرازی از دعای صحیفه می‌فرماید: «خداوند مرا برای مبارزه با کسانی که بر من ستم کرده‌اند توانا ساز، زبانی گویا ده، بر ستمکاران پیروزم گردان و ... (دعای ۳۸). البته این مبارزه، تنها ابعادی

سیاسی و اجتماعی ندارد، بلکه مبارزه با نفس و هواهای نفسانی نیز هست (دعای ۳۹). تربیت عرفانی امام سجاد(ع) بعد اجتماعی وسیع و گسترده‌ای دارد. در یکی از دعاها صحیفه در این باره چنین آمده است، «خداوندا از این که در پاسخ به دادخواهی مظلومان کوتاهی ورزیدم، عفو می‌طلبم. خداوندا از تو طلب بخشش می‌کنم از این که به ستمدیده‌ای در حضور من ظلم شد و به یاری‌اش برنخاستم، مستمندی دست دراز کرد خود را بر او مقدم داشتم، در ادای حق مؤمنی کوتاهی کردم، خداوندا هر کدام از بندگان را که از من به او آسیبی رسیده است یا حقی از او زایل شده است، از من راضی گردان و هر کس به حقی از حقوق من تجاوز کرده است او را زنده یا مرده بیامرزد (همان)، و مرا از آزردن هر زن و مرد با ایمان و مسلمانی باز دار» (دعای ۲۲).

حضرت(ع) به جلب و کسب رضای الهی توجه ویژه‌ای دارد به گونه‌ای که می‌فرماید: «خداوندا چنان کن که در هر حال، در هراس و امنیت، در خشنودی و خشم، در سود و زیان، در درون خویش احساس آرامش و رضایت کنم» (دعای ۳۵). «خداوندا مرا به قضا و قدر خویش دلخوش دار و سینه‌ام را به آن چه داده‌ای گشاده‌دار و سپاسگزاری از آن چه نداده‌ای بر آن چه که داده‌ای افزون ساز» (دعای ۵۲).

بر این اساس امام سجاد علیه السلام همه امور را به خداوند واگذار می‌کند و می‌فرماید: «خداوندا به سوی تو پناه می‌برم، از تو می‌ترسم، از تو فریاد می‌خواهم، به تو امیدوارم، تو را می‌خوانم، به تو اعتماد می‌کنم، از تو یاری می‌طلبم، به تو باور دارم و بر تو تکیه می‌کنم» (دعای ۳۱ و ۳۲).

«توبه» و «اعتذار» از مؤلفه‌های مهم دیگری است که در تربیت و عرفان امام سجاد(ع) جایگاه ویژه‌ای دارد. چرا که توبه موجب پالایش روانی، خودآگاهی، تزکیه نفس، آگاهی به ضعف و نادانی‌ها و دوری از غرور می‌گردد (دعای ۴۷ و ۵۰). در صحیفه آمده است که «خداوندا من کسی هستم که از بندگان تو می‌ترسم ولی از تو احساس امن می‌کنم. من کسی هستم که از بندگان شرم دارم و گناهان خود را از آنان می‌پوشانم ولی آن‌ها را بر تو بارز و آشکار می‌سازم» (دعای ۸ و ۴۰). اهمیت توبه برای امام سجاد(ع) به گونه‌ای است که می‌توان گفت که صحیفه «فرهنگ و مکتب توبه و اعتذار» است. اعتذار و توبه‌ای که به خودشناسی، تزکیه، تعالی، کمال و تقرب الهی آدمی می‌انجامد و در پالایش و زدودن موانع درونی و بیرونی رشد و تعالی انسان، نقش اساسی دارد. به طور کلی موانع رشد و هدایت انسان از نظر صحیفه اموری هم‌چون حرص، غضب، حسد، کم صبری، عدم قناعت، بدخوبی، زیاده روی در شهوت، غلبه تعصب‌ها، پیروی هوس، سرپیچی از هدایت، غفلت، پافشاری بر گناه، کوچک شمردن معصیت، بزرگ داشتن طاعت، تحقیر نیازمندان،

پشتیبانی از ستمگران، رها کردن ستمدیدگان، بدون آگاهی سخن گفتن و آرزوهای دور و دراز است (دعای ۴۷). امام سجاد(ع) در این باره می‌فرماید: «خداوندا مرا از آنچه مانع از قرب من به تو می‌گردد و از نزدیک شدن به سوی تو غافل می‌سازد، رها فرما» (همان). در دعای دیگری برخی دیگر از موانع تعالی و رشد انسان مطرح شده است، «خداوندا مرا از ضعف و نقص نیت، دل مشغولی به خویشتن، ناسپاسی، غرور و خودخواهی و خودپسندی دور نگهدار و بر مقام و منزلت من میفزای مگر آن که بر مقام و منزلت من خودت بکاهی، خداوندا عزت و سربلندی آشکار برایم قرار مده مگر آن که به همان اندازه مرا پیش نفسم خوار و پست گردانی» (دعای ۲۰).

۳. جمع بندی و نتیجه گیری

در تعلیم و تربیت امروزی مفاهیمی هم‌چون هدف‌های پرورشی در «حوزه عاطفی»^۶ مورد توجه قرار می‌گیرد که شامل هدف‌هایی مانند ایجاد تغییرات در علایق، نگرش‌ها و ارزش‌ها و نیز رشد ارج شناسی و سازگاری را نشان می‌دهد (۷، ص: ۲۰). اما این حوزه دقیقاً با مفهوم «پرورش دل» در تربیت عرفانی تطابق ندارد. چرا که از نگاه عرفانی این حوزه عمدتاً به عنوان زمینه و آینه کسب «معرفت ربوبی» نگریسته می‌شود، در حالی که اهداف حوزه عاطفی دقیقاً مبتنی بر معنای عرفانی آن نیست.

از منظر تربیت عرفانی، هدف آرمانی تربیت آن است که آدمی ضمن رها شدن از تمامی قید و بندهای ظاهری و درونی به سطوح بالاتر معرفت و قرب الاهی نزدیک شود. این همان آرمانی است که هدف غایی تربیت اسلامی قلمداد می‌شود (۶، صص: ۵۸-۵۹). از این منظر باید گفت که آرمان‌های تربیتی اسلام، اساساً «عرفانی» است و سایر ابعاد تربیت آدمی نیز بایستی در پرتو این آرمان نگریسته شود.

اگرچه به نظر می‌رسد که هدایت همه افراد در مسیر تربیت عرفانی در مفهوم ناب و همه جانبه آن تا حدودی دشوار است، درک حالت عرفانی زمینه‌ای همگانی دارد و مهم آن است که این «زمینه» در مراکز تربیتی فراهم گردد. توجه به «زمینه» یاد شده مستلزم آن است که آموزش‌های دینی در مدارس به گونه‌ای باشد که دانش آموزان را به سوی کشف حقیقت و وصول به قرب الاهی به عنوان کمال انسان از دیدگاه اسلام هدایت نمایند (۱۱، ص:).

در حوزه تعلیم و تربیت نیز برخی از صاحب‌نظران زمینه یاد شده را مورد توجه قرار داده‌اند. برای مثال پستالوزی «محبت» را تنها بنیاد تربیت تلقی می‌کند. از نظر وی حقیقت انسان تنها در پیوند عشق و خدا تجلی و هویدا می‌گردد و بی عشق انسان بی‌خداست و اگر

عشق و خدا نباشد، از انسان چیزی نمی‌ماند (۱۰، ص: ۸۷). اما باید اذعان نمود که «تربیت دل» و پرورش عرفانی حوزه‌ای فراموش شده در دیدگاه‌های تربیتی امروز است. به گونه‌ای که حتی این موضوع در آرای تربیتی اندیشمندان مسلمان نیز به ندرت مورد توجه قرار گرفته است (۱۰، صص: ۸۸-۸۱).

به هر حال در نظریه تربیت اسلامی حوزه «دل» و تربیت «عرفانی» جایگاهی بس رفیع دارد و لازم است. در تعلیم و تربیت اسلامی در سطح محتوا، روش، تربیت معلم و سایر عناصر تعلیم و تربیت، اقدامات و تمهیداتی صورت پذیرد تا دست کم شرایط و فضای تربیت عرفانی در مراکز آموزشی فراهم گردد. تأکید بر این موضوع از این نظر نیز مهم است که متأسفانه در مدارس امروزی به این مقوله اهمیتی داده نمی‌شود و نوعی بی‌توجهی به «تربیت دل» به دلیل حاکمیت جهت‌گیری‌های آموزشی و درسی محض بر محافل آموزشی جامعه اسلامی سایه افکنده است.

به علاوه، تکیه بر تربیت عرفانی همان‌گونه که در متن مقاله و از اظهارات امام سجاد(ع) در صحیفه برمی‌آید، «سایکولوژیک کردن»^۷ و یا «سکولاریزه»^۸ شدن نیست. بلکه تربیت و تجربه‌های عرفانی اگر چه درونی و فردی است، اما نتایج عینی، اخلاقی و اجتماعی فراوانی دارد و با استفاده از آن بایستی زمینه تحقق مدینه فاضله الهی و عرفانی اسلام آماده شود. اوج کوشش‌های تربیتی در نگرش عرفانی باید بر «سازندگی معنوی» و پرورش گرایش‌های معنوی و الهی انسان استوار گردد. این نوع سازندگی در تربیت عرفانی بدون تردید با تکیه بر دل عمیق و سریع حاصل می‌شود. امری که به نظر می‌رسد در تعلیم و تربیت امروزی فراموش شده است به گونه‌ای که به تعبیر برخی از صاحب‌نظران، تعلیم و تربیت امروزی خود به سدی در راه تکامل و مانعی برای رشد و تعالی معنوی انسان تبدیل شده است (۱۰).

رویکرد اساسی تربیت از منظر صحیفه، خدایی شدن، با خدا بودن و رو به سوی او داشتن است، رویکردی که بر «عشق» و «دل» متکی و مبتنی بر پرورش و تقویت «احساس حضور الهی» و بر اساس «هدایت الهی» است.

خلاصه این که در نظریه «تربیت عرفانی امام سجاد(ع)» بایستی پیوندی اساسی بین «تربیت» و «هدایت الهی»، پرورش روحیه و احساس حضور الهی، شکر و سپاسگزاری از نعمات خداوند، توبه و اعتذار و سایر جنبه‌های تربیت عرفانی در سطح آرمان‌ها، اهداف کلی، اصول، محتوا و روش‌های تربیتی مورد توجه قرار گیرند.

از این منظر لازم است که برنامه‌های آموزشی، به ویژه آموزه‌های دینی مدارس بر اساس مؤلفه‌ها و تعالیم تربیت عرفانی امام سجاد(ع) و با توجه به مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و

تربیت اسلامی مورد بازنگری قرار گیرند تا این که بتوان در سطح افکار، نگرش‌ها و رفتارهای دانش‌آموزان تغییراتی را که معطوف به تربیت و پرورش عرفانی مورد نظر صحیفه سجادیه است، ایجاد نمود. بدیهی است که مقاله حاضر تنها دیباچه و ورودی مقدماتی بر این بحث است و بایستی با فعالیت‌های گسترده و تحقیقی این نظریه بسط، تعمیق و کاربردهای عملی بیشتری یابد.

یادداشت‌ها

- | | |
|-------------------------|---------------------|
| 1. determinism | 2. hedonism |
| 3. reductionism | 4. unconscious |
| 5. divine psychology | 6. affective domain |
| 7. psychologicalization | 8. secularization |

منابع

- ۱- قرآن مجید
- ۲- صحیفه کامله سجادیه، (۱۳۸۱)، ترجمه محمد تقی خلجی، تهران: انتشارات میثم، چاپ پنجم.
- ۳- احمدی، علی اصغر، (۱۳۶۲)، *فطرت بنیان روان‌شناسی اسلامی*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۴- استیونسون، لسللی، (۱۳۶۸)، *هفت نظریه درباره طبیعت انسان*، ترجمه بهرام محسن‌پور، تهران: انتشارات رشد.
- ۵- بابایی، (۱۳۷۹)، "صحیفه سجادیه مرکز اطلاع‌رسانی جهانی و الهی"، *مجله پاسدار اسلام*، دوره ۱۹، شماره ۲۲۳.
- ۶- باقری، خسرو، (۱۳۸۲)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات رشد، چاپ هشتم.
- ۷- بلوم، بنجامین، اس، (۱۳۶۸)، "طبقه بندی هدف‌های پرورشی"، *کتاب اول: حوزه شناختی*، ترجمه دکتر علی اکبر سیف و خدیجه علی آبادی، تهران: انتشارات رشد، شماره ۱۳۸.

- ۸- حسینی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۲)، *سیری اجمالی در تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی*، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- ۹- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۲)، *فلسفه تعلیم و تربیت: در آمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی*، جلد ۱، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۰- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۶۹)، *مکتب‌های روان شناسی و نقد آن*، تهران: انتشارات سمت، جلد اول.
- ۱۱- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۷)، *انسان از دیدگاه اسلام*، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲- یاسپرس و سارتر، (۱۳۶۲)، *انسان کامل از دیدگاه کرگور*، تهران: مؤسسه مکتباتی اسلام شناسی.
- ۱۳- گوتمک، جرالده، (۱۳۷۸)، *فلسفه و مکاتب تربیتی*، ترجمه دکتر محمد جعفر پاک سرشت، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- مایر، فردریک، (۱۳۷۴)، *تاریخ اندیشه‌های تربیتی*، جلد اول و دوم، ترجمه علی اصغر فیاض، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۵- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷)، *انسان کامل*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۶- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۷- نقیب زاده، دکتر میر عبدالحسین، (۱۳۷۴)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات طهوری.
- ۱۸- هیوم، رابرت ا.، (۱۳۶۹)، *ادیان زنده جهان*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.